

برادری و اخوت دینی در آموزه های اسلامی

سمانه عباسی فرد^۱

۱. چکیده

وحدت عنصر و مولفه اصلی اجتماع را تشکیل می دهد. بی وحدت و اتحاد میان اشخاص انسانی و افراد بشری، اجتماع معنا و مفهوم درستی نمی یابد و امکان تحقق خارجی برای جامعه فراهم نخواهد شد. اگر برای اجتماع و جامعه انسانی در برابر فرد، اصالت و هویت مستقل و جداگانه ای هم فرض نشود و اجتماع را امری اعتباری محض و مجموعه ای از افراد و اشخاص بدانیم؛ چنان که برخی از اندیشمندان در برابر اصالت بخشی و هویت دهی دیگرانی چون علامه طباطبائی و شهید مطهری بر این باورند، باز هم نمی توان از ارزش اجتماع و جایگاه تاثیرگذار و نقش سازنده و مثبت آن در راستای تکاملی بشر چشم پوشی کرد و آن را نادیده گرفت. هر امر و پدیده ای با توجه به کار ویژه، آثار و کارکردهای آن مورد ارزش گذاری قرار می گیرد. بر این اساس می بایست اجتماع را به عنوان یکی از مهم ترین پدیده های انسانی دانست که کارکرد و نقش بسیار تاثیرگذاری در زندگی انسان و دست یابی وی به کمال و سعادت دارا می باشد. از این روست که قرآن به اجتماع و جامعه انسانی به عنوان پدیده مثبت و سازنده در زندگی انسانی توجه و اهتمام ویژه ای می گذارد و با فراهم آوردن ابزارها و راهکار و اتخاذ مواضع و دستورهای شرعی می کوشد تا پایه های این پدیده را استوار و تحکیم بخشد. بیان آثار، اهمیت و ارزش و عوامل و موانع ایجاد پدیده ای به نام جامعه و اجتماع در قرآن بیانگر اهتمام قرآن به اجتماع است. که برادری ایمانی مهمترین رکن وحدت و انسجام

^۱ - طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خدیجه خاتون (س) - abasisamaneh027@Gmail.com

اسلامی در جامعه به حساب می آید. و نگارنده در مقام تبیین این موضوع برآمده که با هم آن را از نظر می گذرانیم.

کلیدواژه ها: اخوت، اخوت دینی، برادر دینی، آموزه های اسلامی.

۲. مقدمه

جامعه بشری از همگراییها و همبستگیهای متنوعی برخوردار است که در میان آن پیوند اخوت در جامعه ایمانی استوارترین آنهاست. این پیوند که از ایمان سرچشمه می گیرد و در سطوح مختلف زندگی اجتماعی گسترش می یابد. در قرآن و به دنبال آن در سیره پیشوایان دینی نمودی ویژه دارد و برای استوارسازی روابط اجتماعی بر پایه ایمان و تحقق پیوند برادری، راههایی کارساز و کارآمد را برایش ارائه کرده اند.

این جستار که با هدف بررسی و بیان این راهها نگاشته شده است پس از واژه شناسی و اشاره ای گذرا به موارد کاربرد اخوت در قرآن و ذکر مؤلفه های آن، به بیان شیوه های تحکیم برادری و نیز آسیب شناسی این پیوند پرداخته و سرانجام مهمترین وظایف و حقوق متقابل برادری در جامعه ایمانی را یاد آورده است.

۳. مفاهیم

«اخوت» در واژه، به پیوندی گفته می شود که دو یا چند چیز را به هم مرتبط می سازد، از این روی به ریسمانی که وسط آن به زمین یا میخ دیوار، محکم شده و دو سر آن به شاخ یا پای دو حیوان بسته شده باشد، «أَخِيَّة» گفته می شود، نیز کسی که دو شیء را در امری مشترک و نقطه ای خاص، همانند می سازد می گوید: «أَخَيْتُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ»

این دو نقطه مشترک که دو یا چند چیز را به هم پیوند می دهد، ممکن است پدر یا مادر باشد که از

آن به «اخوت تنی» تعبیر می شود، و یا آن نقطه مشترک، شیر مادر باشد که از آن به «اخوت رضاعی» تعبیر می گردد. همچنان که ممکن است این نقطه مشترک، اشتراک در قبیله، دوستی، شرکت، ایمان و مانند آن باشد که این رابطه ها را به ترتیب «أخو القبيله»، «أخو الصداقه»، «أخو الشرکه» و «أخو الایمان» می خوانند.^۱

بی گمان ژرفترین و استوارترین پیوندها در میان این گونه روابط، پیوند برادری ایمانی است، زیرا در پیوند اخوت ایمانی راهی یگانه و هدفی واحد وجود دارد که همه در سایه ایمان به آن هدف مشترک، راه می سپارند، چنان که در تفسیر «تبیان» آمده است: «أصل الأخ؛ أن الأخ مقصده مقصد أخيه^۲؛ ایا برادری بر این استوار است که هدف برادر همان هدف برادر ایمانی اش است». لازم به ذکر است که در قرآن، برخی واژگان مانند خلیل^۳، صدیق^۴، حبیب^۵، رفیق^۶ و قرین^۷ یاد شده که بر نوعی دوستی، رفاقت و همنشینی دلالت دارد، ولی از آن روی که موضوع این جستار، اخوت ایمانی است و برخلاف دوستی و رفاقت که مفهومی خاص و محدود دارد از مفهومی گسترده برخوردار است، به طوری که نه تنها دوستی در قبیله، شهر و کشور را در برمی گیرد بلکه کل جامعه

^۱ - برای واژه شناسی این موارد : احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۳؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، تصحیح محمد بقاعی، ص ۱۳۳؛ ابراهیم انیس و همکاران، المعجم الوسیط، ص ۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۳.

^۲ - محمد بن حسن طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۶؛ نیز : ابن منظور افریقی، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۲.

^۳ - بقره (۲)، آیه ۲۵۴؛ نساء (۴)، آیه ۱۲۵؛ اسراء (۱۷)، آیه ۷۱؛ فرقان (۲۵)، آیه ۲۸؛ زخرف (۴۳)، آیه ۶۷.

^۴ - نور (۳۴)، آیه ۶؛ شعراء (۲۶)، آیه ۱۰۱.

^۵ - مائده (۵)، آیه ۱۸.

^۶ - نساء (۴)، آیه ۶۹.

^۷ - صافات (۳۷)، آیه ۵۱؛ زخرف (۴۳)، آیات ۳۶ و ۳۸؛ نساء (۴)، آیه ۳۸؛ ق (۵۰)، آیات ۲۳ و ۲۷.

ایمانی را شامل می شود. از این روی در این بخش، تنها به واژه شناسی اخوت بسنده می شود و از گفتگوی خاص و مستقل پیرامون واژگان یاد شده، خودداری می گردد.

در واژه شناسی «اخوت»، به کوتاهی بیان شد که این واژه در جایی به کار می رود که چند چیز یا چند نفر با هم پیوندی مشترک داشته باشند. قرآن کریم این مفهوم را در چندین مورد به کار برده است که برای آشنایی با آن، به این موارد اشاره می گردد:

۱- برادری تنی، اعم از آن که از طرف پدر و مادر باشد^۱، یا از طرف پدر تنها^۲ یا مادر تنها^۳.

۲- برادری رضاعی^۴

۳- همراهی^۵

۴- خویشاوندی^۶

۵- شهروندی^۷

۶- اخوت ایمانی^۸

۷- اخوت شیطانی

توضیح آن که اگر انسانها در نقطه ای کور و دور از معنویت، مشترک بوده و پیوندی خلاف

^۱ - : مائده (۵)، آیه ۳۰؛ اعراف (۷)، آیه ۱۴۲

^۲ - : یوسف (۱۲)، آیه ۵۸.

^۳ - : نساء (۴)، آیه ۱۲.

^۴ - : نساء (۴)، آیه ۲۳.

^۵ - : ص (۳۸)، آیه ۲۲.

^۶ - : اعراف (۱۷)، آیه ۶۵؛ هود (۱۱)، آیه ۵۰؛ شعراء (۲۶)، آیه ۱۰۶؛ نمل (۲۷)، آیه ۴۵؛ ع بوث (۲۹)، آیه ۳۶.

^۷ - : شعراء (۲۶)، آیه ۱۶۱.

^۸ - : حجرات (۴۹)، آیه ۱۰؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

دین و دینداری داشته باشد دارای اخوت شیطانی اند؛ کافران، مشرکان، منافقان، و آن افرادی

که به تباهیها دامن می زنند از کسانی اند که از نگاه قرآن، «برادر شیطان» خوانده شده اند.^۱

۴. یافته های پژوهشی

مؤلفه های اخوت ایمانی

اخوت ایمانی که تجلی جامعه ای برتر و آرمانی است دارای عناصر و مؤلفه های ویژه است که جامعه ایمانی را از هر جامعه دیگر متمایز و ممتاز می سازد.

۱- ایمان

یکی از مؤلفه های اخوت، ایمان است. تا ایمان در دل آدمی ریشه نگیرد میوه شیرین اخوت، به ثمر نمی نشیند. ایمان است که دلها را به یکدیگر مهربان می کند و بذر دوستی و عشق به یکدیگر را در دلها می افشاند و جامعه ایمانی را بر هدف واحد و موضع مشترک گرد می آورد، چرا که ایمان نوری است روشنی بخش که هم هدف را روشن می سازد و هم راه را و هنگامی که راه و هدف هر دو روشن گردند تمامی اهل ایمان تنها همان راه را در پیش می گیرند و در شعاع نور ایمان تنها به سوی همان هدف رهسپار می شوند. این در حالی است که بی ایمانی، نوعی تاریکی و ظلمت است؛ در ظلمت نه هدف معلوم است و نه راه روشن؟ و بسیار مبرهن و آشکار است که نتیجه این ظلمت، چیز جز بیراهگی و پراکندگی نیست» *تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ*^۲

قرآن کریم این حقیقت را روشن می دارد، که ایمان مایه وحدت، و بی ایمانی مایه پراکندگی است. از نگاه قرآنی، پراکندگی و نابرداری ویژه دوره پیش از پذیرش ایمان است، ولی هنگامی که ایمان

^۱ - برای این موارد به ترتیب : آل عمران (۳)، آیه ۱۵۶؛ اعراف (۷)، آیه ۲۰۲؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۶۷ و احزاب (۳۳)، آیه ۱۸؛ اسراء (۱۷)، آیه ۲۷.

^۲ - حشر (۵۹)، بخشی از آیه ۱۴: «آنان را متحد می پنداری ولی دلهایشان پراکنده است».

در نظام اجتماعی اسلام، حقوق و وظایف برادری بسیار است که شمارش و ذکر تمامی آنها در این جستار، شدنی نیست^۱! تنها با نقل یک حدیث که بخش فراوانی از وظایف برادری را یادآور شده است، سخن را به پایان می‌بریم:

امام علی علیه السلام می‌گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر یک از مسلمانان بر دیگر برادر ایمانی اش سی حق دارد که همه باید آنها را ادا نمایند و یا او از آنان درگذرد. این حقوق عبارتند از:

- ۱- از خطای او درگذرد.
- ۲- بر او ترحم کند.
- ۳- زشتیهای وی را بپوشاند.
- ۴- لغزشهای او را نادیده انگارد.
- ۵- پوزش او را بپذیرد.
- ۶- نگذارد از او غیبت کنند.
- ۷- پیوسته او را پند دهد.
- ۸- دوستی با او را تداوم بخشد.
- ۹- وعده او را وفا کند.
- ۱۰- او را در بیماری اش عیادت کند.
- ۱۱- در تشیع جنازه او حاضر شود.
- ۱۲- دعوت او را اجابت کند.
- ۱۳- هدیه او را بپذیرد.

^۱ - محمد بن یعقوب کلینی، اصول الکافی، ج ۲، صص ۲۱۰-۱۸۸.

- ۱۴- احسان او را به نیکی جبران کند.
- ۱۵- نعمت او را سپاس گوید.
- ۱۶- او را به خوبی یاری دهد.
- ۱۷- ناموس او را حفظ کند.
- ۱۸- نیازش را برآورده سازد.
- ۱۹- در برآوردن خواسته های او میانجیگری کند.
- ۲۰- پس از عطسه دعایش کند.
- ۲۱- او را در یافتن گمشده اش یاری رساند.
- ۲۲- سلام او را جواب دهد.
- ۲۳- با او به نیکی سخن گوید.
- ۲۴- سوغندهایش را تصدیق کند.
- ۲۵- با دوستانش دوستی ورزد.
- ۲۶- از ستیز با او پرهیز کند.
- ۲۷- او را چه ستمکار باشد و چه ستمدیده، یاری کند؛ یاری کردن او در هنگام ستم به این است که او را از ستم بازدارد، و یاری او آن گاه که مورد ستم واقع شود، آن است که حق او را از ستمکار بازستاند.
- ۲۸- او را به چنگ کسی گرفتار نسازد.
- ۲۹- او را خوار نگرداند.
- ۳۰- آنچه را برای خود دوست می دارد برای او نیز دوست بدارد و هر آنچه را برای خود نمی پسندد برای او نیز نپسندد.

امام علیه السلام در پایان این حدیث، می فرماید: «از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که پس از یادآوری حقوق یاد شده، فرمود: اگر یکی از شما چیزی را از حقوق برادر ایمانی اش وانهد، وی حق خویش را در قیامت خواهد خواست و به سود او حکم خواهد شد.»

۵. نتیجه گیری:

نتیجه این شد که اخوت و برادری در تشکیل جامعه سالم، و پیشبرد اهداف عالیه اسلام نقش مهم و کلیدی دارد، هرگاه در جامعه اسلامی اخوت و برادری دینی حاکم بوده اثرات و منافع فراوانی را در پی داشته و هرگاه آیین برادری زیر پا گذاشته شده آثار و برکات جامعه نیز رو به فنا و نابودی رفته است به همین جهت قرآن و در کنار آن معصومان مخصوصاً امام صادق(ع) سخت بر مسئله اخوت و برادری دینی و آثار و برکات آن تأکید و پافشاری داشته است. در جنگ اُحد پیامبر اکرم(ص) دستور داد دو نفر از شهدا (عبدالله بن عمر و عمر بن جموح) را که میانشان برادری برقرار شده بود در یک قبر دفن کنند.

۶. منابع:

* قرآن کریم

۲- شرح نهج البلاغه، تهران، اسماعیلیان، ج ۱۴، ص ۲۶۳

۳- مجموعه مقالات قرآن و جامعه شناسی(۲)، (۱۳۸۸)، تهران، سازمان فرهنگی هنری

شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر، چاپ اول .

۴- محمد بن حسن طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۶: نیز : ابن منظور افریقی،

لسان العرب، ج ۱۴

^۱ - محمد بن حسن حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰.

^۲ - ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، تهران، اسماعیلیان، ج ۱۴، ص ۲۶۳

- ٥- حسين نوري، مستدرک الوسائل، ج ٨
 - ٦- محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ١
 - ٧- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ٧٤
 - ٨- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٨
 - ٩- محسن کاشانی، المحجّة البيضاء، ج ٣
 - ١٠- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ٧٥
 - ١١- محمد بن يعقوب کليني اصول الكافي، ج ٢، ص ٢٧٥؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ٧٤
 - ١٢- ابن كثير، البدايه ي و النهايه ي، ج ٣
 - ١٣- محمدباقر مجلسی، بحارالنوار، ج ٧١
 - ١٤- محمد بن يعقوب کليني، اصول الكافي، ج ٢
 - ١٥- محمد بن بابويه قمی (شيخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، ج ٤،
 - ١٦- مرتضى مطهری، مجموعه آثار، ج ٢
 - ١٧- محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، تحقيق جلال الدين محدث ارموی، ج ٤
 - ١٨- سيد رضی، نهج البلاغه، شرح و ترجمه فيض الاسلام، حکمت ٣٥٢
 - ١٩- ابن بابويه، محمد بن علي، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال - قم، چاپ: دوم، ١٤٠٦ ق.
 - ٢٠- ابن سيده، علي بن اسماعيل؛ المحكم و المحيط الاعظم، قاهره: دار الكتب العلميه، ١٣٧٧
- تا ١٣٩٢ ق
- ٢١- ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب، نشر أدب الحوزه، قم، ١٤٠٥ ق
 - ٢٢- ابن نديم، محمد بن اسحاق؛ بى تا. الفهرست، قاهره: المكتبه التجاريه الكبرى، بى تا.
 - ٢٣- ابن هشام حميرى، سيره ي النبى، ج ٢

- ٢٤- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ٣٨
- ٢٥- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ٦٤،
- ٢٦- محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، المسائل العکبریه
- ٢٧- رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و عدّه الابرار؛ به کوشش علی اصغر حکمت، ج ٩
- ٢٨- محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، الاختصاص
- ٢٩- محمد بن حسن طوسی، الامالی، ج ١
- ٣٠- علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ٤٤٨.
- ٣١- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ٢، ص ١٠٣؛ نیز: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ٨، ص ٤٣٤.
- ٣٢- ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، تهران، اسماعیلیان، ج ١٤، ص ٢٦٣